روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ • ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۴۴ • ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۵۷۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۴۱
اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

روزنامه شرق

• دوستداران محیط زیست با حضور در حاشیه تالاب مهارلو به پاک‌سازی محیط اطراف آن از زباله‌های رهاشده پرداختند. تالاب مهارلو که به دریاچه صورتی معروف است، در فاصله ۲۰ کیلومتری شرق شیراز واقع شده است.
عکس: احمدرضا مداح، فارس

دیالوگ روز

هیروشیما عشق من - آلن رنه - ۱۹۵۹
لوئی (ایجی اوکادا):
بعضی وقت‌ها
باید در مورد مشکلاتی که زندگی برامون ایجاد می‌کنه فکر نکنیم
وگرنه خفه می‌شیم.

خبرخوانی

بلیت هواپیما مختص مردم یا سرمایه‌داران؟

معین شرقی
کارشناس حقوق هوانوردی

مدت‌هاست صدای سایش بال‌های صنعت فرسوده هوانوردی در کشور به گوش همگان می‌رسد. آخرین خبر مسرت‌بخش این حوزه از صنعت، به بازه زمانی توافقات بین‌المللی ایران با ۱+۵ بازمی‌گردد؛ موضوعی که با تلاش متخصصان این حوزه ازجمله مدیرعامل وقت شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و دست‌اندرکاران وزارت راه رقم خورد؛ یعنی انعقاد قرارداد خرید گسترده هواپیما و لوازم و قطعات مربوطه با تنفس خروج نسبی از تحریم‌های بین‌المللی (با حداقل توقف اعمال فشار). روند فرسایشی و گستردگی تحریم‌های ظالمانه همواره موانع جدی برای رشد و ارتقای این صنعت را در پی داشته است؛ اما این موضوع علت تامه وضعیت فعلی نبود و نیست. سینه‌چاکان انحصار در این صنعت و افراد مدعی انزواگری در حوزه سیاست‌های خارجی و تعاملات بین‌المللی کشور نیز در آن زمان قد علم کرده و هرگونه دیپلماسی سیاسی-اقتصادی را مضر برای کشور قلمداد می‌کردند و عامل فشار برای اتخاذ تصمیم هوشمندانه و رسیدن به توافقات و قراردادهای برد-برد در حوزه خرید هواپیما بودند. بشخصه معتقدم اگر منافع شرکت‌های آمریکایی تولیدکننده هواپیما بیشتر از سایر شرکت‌های درگیر در بحث معاملاتی بود، شاید نقض عهد آنها و خروج یک‌طرفه از توافقات و قراردادهای بین‌المللی سخت‌تر می‌شد. درنهایت نبود زیرساخت مطمئن و عادی برای تأمین ملزومات صنعت هوانوردی صرفا دایره انحصار و سوءاستفاده‌گری برخی از کاسبان این حوزه را فراهم آورد. به نوعی که درحال‌حاضر نیز به بهانه هزینه سنگین تأمین ملزومات به جهت تحریم‌ها و... اسبابی برای اعمال فشار به مردم را فراهم آورده است.

مطابق بند ج از ماده ۶ قانون هواپیمایی کشوری، تصویب نرخ‌نامه حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار در صلاحیت شورایی تحت عنوان «شورای عالی هواپیمایی کشوری» است که مصوبات شورا برای تمام دست‌اندرکاران این صنعت ازجمله شرکت‌های هواپیمایی لازم‌الاتباع است. بحث افزایش نرخ غیرقانونی و بی‌رویه و خارج از چارچوب در حوزه حمل‌ونقل هوایی بحث جدیدی نیست. مدت‌هاست کش‌وقوس زیادی فی‌مابین انجمن شرکت‌های هواپیمایی و دستگاه‌های ذی‌ربط وجود دارد. مدتی قبل شورای عالی هواپیمایی تشکیل و نرخ‌نامه جدیدی را برای اجرا ابلاغ کرد. متعاقب آن متأسفانه برخی از شرکت‌های هواپیمایی نسبت به مصوبه قانونی شورا بی‌توجهی کرده و با دست‌آویز قراردادن قیمت آزاد و بازاری ارز نرخ خود را بالاتر اعلام کرد که با واکنش سازمان هواپیمایی کشوری مواجه شد و مجوز برخی از خطوط و شرکت‌ها به حالت تعلیق درآمد.

اما این پایان موضوع نبود، ریاست محترم انجمن شرکت‌های هواپیمایی که خود مالکیت برخی از سرمایه‌های هوانوردی و گردشگری را در کشور دارد، گویی عامه مردم را با خود مورد قیاس قرار داده و در اظهاراتی عنوان کرد که نزدیک‌شدن نرخ سفر هوایی به نرخ سفر زمینی باعث شده است که همه مردم هواپیما را انتخاب کنند. حال سؤال اینجاست:

آیا شرکت‌های هواپیمایی از تسهیلات و یارانه‌های دولتی مانند ارز غیرآزاد و... استفاده نمی‌کنند؟

آیا زندگی باکیفیت حق عامه مردم نیست؟

و اساسا شرکت‌های هواپیمایی در مقام پرداخت دیون دولتی خود اعم از هزینه‌های فرودگاهی و سوخت و... تا چه اندازه خوش‌حساب و دقیق‌اند؟

اظهارات ایشان به نوعی بهت‌آور است که گویی سوخت هواپیما با نرخی بین‌المللی و خارج از ایران تهیه می‌شود. اساسا اگر قائل به آزادسازی نرخ هستید، نباید از یارانه‌های داخلی مانند سوخت ارزان و... استفاده کنید. مع‌الوصف خروج از این بحران نیازمند مدیریت دو مسئله است؛ ابتدا باید این صنعت از انحصار خارج شود که مستلزم توسعه روابط بین‌الملل و راحتی دستیابی به ملزومات صنعت است و در مرحله بعد برخورد جدی و بدون اغماض دستگاه‌های ذی‌ربط در حوزه تمکین از قانون از طریق شرکت‌های هواپیمایی و انجمن این شرکت‌هاست.

بدون‌شک عموم مردم براساس قانون اساسی از حقوق برابر برخوردارند و تفکیک استفاده از سفر هوایی بین عموم مردم و سرمایه‌داران پذیرفتنی نیست.

در جامعه پیشرو همه تابع قانون‌اند و مصوبات شورای عالی هواپیمایی کشوری به دقت باید اجرا شود و متخلفان و سوءاستفاده‌گران باید به تعزیرات و دستگاه قضائی معرفی شوند.

در انتظار زلزله‌های بعدی تهران

مهدی زارع

در دهه‌های گذشته زمین‌لرزه‌هایی با بزرگای سه یا بیشتر در محدوده تهران ثبت نشده است؛ ولی خُردلرزه‌خیزی منطقه تهران فعالیت پویایی زمین‌ساختی فعلی منطقه را نشان می‌دهد. از دریای کاسپین تا ایران مرکزی، البرز مرکزی با بیشترین میزان فعالیت به‌ویژه در شرق تهران و روی قطعه شرقی گسل مشا و همچنین گسل گرمسار در سه دهه اخیر خودنمایی کرده است. این روندها با شیب به سمت شمال هندسه‌ای شیب‌لغز فشاری و البته امتدادلغز چپگرد با زلزله‌های تاریخی مهم شناخته می‌شوند؛ ولی آیا همین منطقه شرقی تهران را باید به‌عنوان کاندیدای رخداد مهم زمین‌لرزه بعدی در نظر گرفت یا نواحی مرکزی و غربی را؟

گسل‌های مشا، طالقان، پارچین و گرمسار به همراه گسل شمال تهران با بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخی گذشته -در حدود ۲۵۰۰ سال گذشته را- نشان داده‌اند. زمین‌لرزه ری در سده سوم پیش از میلاد -اولین زمین‌لرزه تاریخی شناخته‌شده فلات ایران- و زمین‌لرزه ۹۵۸ روی گسل طالقان -یا قطعه غربی گسل مشا، هنوز دقیقا معلوم نیست- هر دو با بزرگاهای بیش از ۷.۵ تخمین زده شده‌اند. لرزه‌خیزی ممکن است محتمل‌ترین محدوده رویدادهای بزرگ آینده را مشخص نکند؛ ولی برخی از روندهای فعال با قوی‌ترین فعالیت در بخش شرقی منطقه، به‌ویژه مرتبط با گسل شمال تهران یافت شده است. سوابقی از زمین‌لرزه‌های تاریخی مهم نیز در این منطقه وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهند که منطقه شرق تهران فعلا و براساس داده‌های سه دهه اخیر فعال‌تر از غرب آن است. زمین‌لرزه‌ها در امتداد گسل مشا، که از محل روستا/ شهرک ویلایی مشا در پنج کیلومتری شمال شهر دماوند می‌گذرد، در ژرفای تا ۲۰ کیلومتری و بیشتر بین ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری مانند اکثر گسل‌های دیگر البرز مرکزی روی آن مشخص شده است. این گسل موجب آخرین زمین‌لرزه‌ای شده که تاکنون با ایجاد لرزه در محدوده شرقی استان تهران، موجب از خواب پریدن شهروندان تهرانی در اولین دقایق ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ با بزرگای پنج شد.

ثبت لرزه‌نگاری در ایران در مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران

کار ثبت و تعیین محل زمین‌لرزه‌ها از سال ۱۳۳۷ هجری شمسی با احداث اولین ایستگاه لرزه‌نگاری در تهران و با کمک و همکاری متخصصان آلمانی و ژاپنی آغاز شد. ایستگاه‌های لرزه‌نگاری کشور با پنج ایستگاه آنالوگ نصب‌شده در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، شیراز و کرمانشاه در دهه ۴۰ توسعه یافت که از این بین، ایستگاه‌های تبریز، مشهد و شیراز زیرمجموعه شبکه لرزه‌نگاری استاندارد جهانی (WWSSN) بودند. در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی یک آرایه ۷ ایستگاهی درون‌چاهی موسوم به آرایه پریود بلند ایران (ILPA) برای پایش لرزه‌ای انفجارات احتمالی هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی از سوی دولت آمریکا و به میزبانی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران نصب شد و هم‌زمان اطلاعات لرزه‌ای مناسب را جهت تحقیقات زلزله‌شناسی در جنوب غربی تهران فراهم آورد. با تأمین لرزه‌نگارهای دیجیتال و تجهیزات انتقال اطلاعات تله‌متری، ابتدا در سال ۱۳۷۴ شبکه‌های لرزه‌نگاری دیجیتال تهران و تبریز راه‌اندازی شد و پس از آن در سال‌های بعد شبکه‌های لرزه‌نگاری در دیگر نقاط کشور به‌مرور توسعه یافتند. پس از تأسیس پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در سال ۱۳۶۸، از ابتدای دهه ۱۳۷۰ شبکه پهن‌باند لرزه‌نگاری ایران ابتدا شامل چهار ایستگاه در آشتیان، نایین، هشتگرد و زاهدان در سال ۱۳۷۷ طراحی و از سوی پژوهشگاه زلزله بهره‌برداری شد. تعداد ایستگاه‌های لرزه‌نگاری تا سال ۱۳۹۳ به ۲۵ ایستگاه و تا سال ۱۴۰۱ به ۳۳ افزایش یافت. داده‌های لرزه‌ای ایستگاه‌ها در مرکز شبکه شهر تهران به وسیله سامانه ارتباط ماهواره‌ای جمع‌آوری می‌شود. داده‌های این ایستگاه‌ها به طور مداوم در مرکز شبکه ثبت می‌شود و از طرف تحلیلگران لرزه‌نگاری مجازی بی‌درنگ تجزیه و تحلیل می‌شود و سپس از سوی یک تحلیلگر باتجربه زلزله بررسی می‌شود. لرزه‌سنج‌های پهن‌باند و ارتباطات ماهواره‌ای بین ایستگاه‌ها و مرکز شبکه در کنار هم، داده‌های باکیفیت و مناسب برای مطالعات پیشرفته در زلزله‌شناسی و محاسبه سریع پارامترهای منبع زلزله را در اختیار ما قرار می‌دهند. به منظور بهبود کیفیت داده‌ها و توسعه سیستم‌های تجزیه و تحلیل بی‌درنگ، قابل اجرا در مدیریت و کاهش ریسک زلزله، فاز دوم توسعه شبکه آغاز شده است.

خوشه‌ای از ریزلرزه‌خیزی کم‌ژرفا (کمتر از ۱۵ کیلومتر) در ۴۰ کیلومتری شمال گسل کاسپین (در محدوده دشت کاسپین جنوبی-دشت مازندران) رخ می‌دهد، منطقه‌ای که معمولا تصور می‌شود در آن تغییر شکل چندانی نمی‌دهد. این منطقه با محل وقوع سه زمین‌لرزه فشاری نسبتا ژرف (M w5.3-5.5) در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ شناخته می‌شود. اگرچه رسوب درخورتوجه در سراسر دشت کاسپین جنوبی ارزیابی هرگونه فعالیت گسلش -گسیختگی سطحی- اخیر در سطح زمین را پنهان می‌کند، سازوکارهای کانونی رویدادهای به‌خوبی مکان‌یابی‌شده از خوشه کم‌ژرفای لرزه‌خیزی، مؤلفه مهمی از حرکت امتداد لغز چپگرد با یک مؤلفه کششی کوچک را نشان می‌دهند. ژرفای پوسته -مرز موهو- در این ناحیه ۴۱ کیلومتر است. الگوی فشاری ژرف و لرزه‌خیزی نرمال کم‌عمق را می‌توان با خم‌شدگی پوسته صلب کاسپین جنوبی که به زیر کوه‌های البرز شرقی پایین می‌رود، توضیح داد. سازمان‌دهی زهکشی سطحی و آبراهه‌ها و مسیر رودخانه‌های چالوس، رود هراز، رود سه هزار، رودخانه بابل، رود تالار، رودخانه گرگان، رود اترک، رود قراسو و رودخانه نکا تحت اثر این سامانه گسل‌های کششی در ناحیه دشت کاسپین رخ داده است.

توزیع لرزه‌خیزی خردزمین‌لرزه‌ها روی گسل‌های شمال تهران، طالقان و کهریزک و گسل‌های مشا، گرمسار و شمال البرز درخورتوجه است. به طور کلی فعالیت لرزه‌ای از ۵۱ درجه طول شرقی جغرافیایی به سمت غرب کاهش می‌یابد. فعالیت لرزه‌ای بالا در قطعه شرقی گسل مشا در نزدیکی شهرستان‌های دماوند و بومهن تا روستای کلان در لواسانات مشاهده می‌شود. اکنون پرسش مهم، عبارت است از اینکه وضعیت قطعه مرکزی گسل مشا (از روستای کلان لواسانات، تا شمال فشم و با گذر از شهر میگون تا شهرستانک) چگونه است؟ چرا این قطعه گسله، با وجود فعال‌بودن، اثری از فعالیت مهم نشان نمی‌دهد؟ آیا برای یک گسیختگی مهم و زمین‌لرزه‌ای شدید آماده می‌شود؟ همین پرسش درباره گسل ایوانکی که از شهر ایوانکی در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران و نزدیکی شهر پاکدشت در استان تهران می‌گذرد و به منطقه مشیریه و مسعودیه در جنوب شرقی تهران می‌رسد نیز مطرح است. این گسل در سه دهه اخیر فقط زمین‌لرزه‌های پی‌درپی با بزرگای کمتر از ۴.۵ نشان داده است. با توجه به سابقه لرزه‌خیزی تاریخی با بزرگای بیش از هفت، آیا این قطعه گسله که در مجاورت پهنه فرونشست زمین نیز قرار گرفته، محدوده کاندیدای رخداد بعدی است؟ یا در غرب تهران که با زمین‌لرزه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ در ملارد، با بزرگای ۵.۰ با گسلش در راستای گسل ماهدشت-جنوب کرج شاخص است، و با فرونشست زمین در محدوده دشت شهریار شناخته می‌شود، کاندیدای مهم و اصلی برای گسیختگی بعدی در نزدیکی تهران است. پمپاژ آب زیرزمینی می‌تواند به طور بالقوه باعث قفل‌شدگی، سپس لغزش و در نتیجه زلزله شود. چنین تنش‌هایی کوچک هستند؛ اما اگر در مدت‌زمان طولانی پمپاژ آب‌های زیرزمینی تداوم داشته باشد، می‌توانند اهمیت بیشتری پیدا کنند و به طور بالقوه می‌تواند شروع زلزله بزرگ بعدی را تسریع کند. ضمنا از آنجا که میزان لغزش گسل با گذشت زمان بین زلزله‌ها افزایش می‌یابد، می‌تواند منجر به زلزله‌های مکرر اما کوچک‌تر نیز شود.

یاد

تنها فرد ایرانی که سیاره‌ای در آسمان داشت

مرگ «فیروز نادری» دانشمند عضو ناسا در صبحگاه دیروز به وقت ایران بسیاری از مردم ایران را متأسف و غمگین کرد. این دانشمند ایرانی ماه گذشته به دنبال افت ناگهانی ضربان قلب از حال رفت و سرش به دیوار اصابت کرد. این حادثه باعث جابه‌جایی مهره گردن و آسیب‌دیدگی نخاع او شد. او چهارم خرداد در صفحه فیس‌بوک خود خبر داد که پس از جراحی موفقیت‌آمیز گردن، یک دوره توان‌بخشیِ «سخت و طولانی» در پیش دارد. این دانشمندِ که در سال ۱۳۲۵ در شهر شیراز به دنیا آمده بود، یکی از شاگردان پرویز شهریاری، معلم معروف ریاضیات بود. او پس از مهاجرت به آمریکا قرار بود معماری بخواند که به مهندسی برق علاقه پیدا کرد و از این طریق وارد کارهای فضایی شد. او پس از دریافت دکترای خود در سال ۱۹۷۶ از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، به ایران بازگشت و مدتی در مرکز سنجش از دور ایران فعالیت کرد.

اما سال ۱۳۹۴، جزء تعدادی از ایرانیانی بود که علیه سیاست‌های ضد تحریم آمریکا نامه نوشتند و از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال آمریکا، درخواست کردند که از شدت تحریم‌ها علیه ایران بکاهند و در بخش دیگری از این نامه نوشته شده بود: «ایران کشوری کم‌مانند در منطقه خاورمیانه است با شمار قابل توجهی از افراد جوان، شهرنشین و تحصیل‌کرده که به آمریکا نگاه مساعدی دارند». او از برجام نیز حمایت کرد و نوشت: «حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مشکلات جهان از راه تعامل راهکار بهتری از راه‌حل ستیزه‌جویانه است». در اسفند ۱۳۹۵ و پس از آنکه فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان اسکار شد، همان سال بود که ترامپ ورود شش کشور را ممنوع کرده بود از جمله ایران. همان سال اصغر فرهادی از دو چهره فضایی شناخته‌شده ایران در آمریکا «انوشه انصاری» و «فیروز نادری» درخواست کرد که نمایندگی او را در مراسم اسکار داشته باشند. در آن سال بود که «فیروز نادری» این اسکار را به نیابت از اصغر فرهادی دریافت کرد. در شبکه‌های اجتماعی پس از اعلام فوت «نادری» بسیاری درباره او و جایگاهش نوشتند. او تنها ایرانی بود که سیاره‌ای در فضا داشت. یکی با انتشار تصاویری از سیارک نادری نوشت: «به یاد پروفسور فیروز نادری و سیارک نادری-۵۵۱۵ که در فهرست ریزسیاره‌ها با قطر ۱۰ کیلومتر قرار دارد که هر ۴.۴ سال یک بار به دور خورشید می‌گردد. این سیارک هر ۵ ساعت و ۲۰ دقیقه یک بار به دور خودش در گردش است و در کمربند بین مریخ و مشتری حرکت می‌کند». دیگری نوشت: «سابقه فیروز نادری کلکسیونی از افتخارات علمی یک ایرانی در عالی‌ترین سطح جهان است». سیاوش صفاریانپور نوشت: «درباره او حرف بسیار است و اکنون توان گفتن سخت دشوار. بماند برای همین نزدیکی که بیشتر درباره او بگوییم. فعلا غمش بسیار سنگین است». کاربری دیگر او را چنین توصیف کرد: «شریف بود و ایران‌دوست و انسان‌گرا؛ تجسم واقعی یک شخصیت ملی...».

البته مرگ این دانشمند ایرانی و اظهار تأسف زیاد کاربران ایرانی با اعتراض برخی دیگر نیز روبه‌رو شد. یکی از کاربران نوشته بود: «کلا دانشمند، محقق یا هر استادی که ایران نیست، هیچ سودی برا کشورش نداره. من نمی‌فهمم چرا بیخودی خودتونو هلاک آدمی می‌کنین که هیچ ربطی بهتون نداره! آمریکایی بوده. تموم شد رفت».

یاد و نامش گرامی باد.

پیشخوان

یادنامه توفیق برای صد سال انتشار

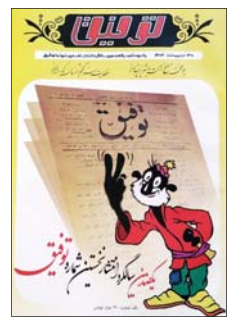

۳۰ اردیبهشت امسال، صدمین سالروز انتشار نخستین شماره توفیق بود و برای گرامیداشت صدمین سالگرد «توفیق»، کهن‌سال ترین نشریه طنز ایران، یادبودنامه‌ای در همان تاریخ منتشر و در ایران و گوشه‌وکنار جهان منتشر شد. «کاکا توفیق» با نیم‌قرن انتشار توفیق در دوران‌های پادشاهی احمدشاه قاجار، رضا شاه و محمدرضا شاه پهلوی را می‌توان «پیر دیر مطبوعات» دانست. بازماندگان روزنامه توفیق که در آن زمان جوانانی علاقه‌مند و پرانرژی بودند، با بیش از ۵۰ سال تجربه، در یک سال اخیر با تلاش بسیار کوشیدند و شماره‌ای مخصوص «صدمین سال توفیق» در ۶۸ صفحه منتشر کردند. این ۶۸ صفحه با کاریکاتورهای متنوع و به صورت تمام‌رنگی منتشر شده است. روی جلد آن این شعار قرار دارد: «چو حق تلخ است با شیرین‌زبانی، شکایت سر کنم آن‌سان که دانی». مدیر و سردبیر این نشریه خاص «عباس توفیق» بود و سرمقاله را نیز او با نام فکاهی خود «عباس فرات برنارد شاو ایران» و تیتر «هیچ اثر برجسته‌ای جز با عشق خلق نمی‌شود» نوشته است. مدیر اجرائی آن «بیژن اسدی‌پور» است و همچنین «غلامرضا کیانی‌رشید» و «حسین هاشمی»، «احمد عربانی»، هادی حیدری، احمد عبدالهی‌نیا، سعید پزشک و مهسا طهرانی و جمعی دیگر جزء همکاران بخش‌های مختلف این نشریه بودند. این شماره با سخت‌گیری و علاقه‌مندی بسیار همکاران آن منتشر شده است، برخی از کاریکاتورها بارها و بارها طراحی شده تا سرانجام امکان انتشار در این نشریه را پیدا کرده است.

یادبودنامه

این ۶۸ صفحه نشریه دربرگیرنده مطالب انتخابی از مجلاتی است که در سال‌های پیش از انقلاب منتشر شده و همچنین به برخی حوادث پس از انقلاب که بر روزنامه توفیق گذشته، می‌پردازد.

آثاری از همکاران توفیق و معرفی اعضای تحریریه و همکاران خارج تحریریه توفیق، سال‌شمار توفیق از ۱۴ مهر ۱۲۵۸ تولد حسین توفیق تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، نمونه‌هایی از ستون‌های ثابت توفیق شامل بحر طویل، انگولک به جراید، سرمقاله، ته‌مقاله و حزب خران، عکس از آخرین جلسه با هیئت تحریریه و رؤسای قسمت‌های اداری توفیق؛ از جمله حسن توفیق (صاحب امتیاز و مدیر)، عباس توفیق (رئیس هیئت تحریریه)، حسین توفیق (سردبیر)، کیومرث صابری‌فومنی، احمد عربانی، غلامرضا کیانی‌رشید، پرویز شاپور و محمد حاجی‌حسینی نیز در این شماره به چشم می‌خورد. همچنین یادآوری شده است که چقدر جای طنزپردازان ابوتراب جلی، ابوالقاسم حالت، ممتاز میثاقی (غلامعلی لقابی)، محمد خرمشاهی، عمران صلاحی، مسعود کیمیاگر، محمدعلی گویا، بیژن اسدپور و شماری دیگری از طنزپردازان صاحب‌نام در این عکس خالی است. همچنین در مطالبی دیگر از منوچهر احترامی و مرتضی فرجیان یاد شده است. در مقاله‌ای به کاراکترهایی که توفیق خلق کرده مانند فسنجون، بادمجون، اوس عباس از نمایندگان مجلس شورای میلی و همچنین کاکا توفیق، گشنیز خانوم پرداخته شده است. پشت جلد این نشریه نیز با کاریکاتوری با عنوان «وداع با اسلحه» همراه است.

دوره صدساله

۳۱ اردیبهشت سالروز تولد دکتر عباس توفیق هم بود که تنها بازمانده از سه برادر توفیق است که در سال‌های گذشته این نشریه را منتشر می‌کردند. از زمان انتشار نخستین شماره توفیق در سال ۱۳۰۲، انتشار این نشریه در سه دوره ناپیوسته ادامه یافت. دوره نخست آن از ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۸ به مدیریت حسین توفیق بود که با درگذشت او در ۱۳۱۸ به پایان رسید. پس از مرگ حسین توفیق، مجله توفیق دچار توقف شد و بالاخره از ۱۳۱۹ با مدیریت فرزندش، محمدعلی توفیق، دوره دوم توفیق آغاز شد و تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ادامه یافت. برادران توفیق، حسن، حسین و عباس توفیق که در دوره دوم توفیق کاریکاتوریست، نویسنده، شاعر و سردبیر و در سال‌های آخر آن دوره گردانندگان اصلی تحریریه توفیق بودند، در ۲۹ اسفند ۱۳۳۶ روزنامه‌ای فکاهی و طنزآمیز را به نام «فکاهی» منتشر کردند که به‌شدت مورد استقبال مردم قرار گرفت. انتشار این دوره پرسروصدای توفیق در زیر فشار شدید سانسور و با توقیف‌های مکرر تا سال ۱۳۵۰ شمسی ادامه یافت.

توفیق در دوره سوم انتشار با انتقادات صریح و بی‌پروا منتشر می‌شد. سرمقاله‌های آن با امضای «کاکا توفیق»، و دیگر مطالب آن با انتقادی طنزآمیز به اوضاع اجتماعی مانند گرانی و بی‌کاری، بی‌عدالتی، فقر، عدم مساوات و مانند اینها بود، و انتقاداتی نیز از هیئت حاکمه، نخست‌وزیران، وزرا و نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا انجام می‌داد. دکتر محمد مصدق از آن به‌عنوان بهترین مجله یاد کرده و محمدعلی جمال‌زاده نیز آن را در حکم آینه‌ای دانسته که در آن چهره عامیانه زبان فارسی را می‌یابد. دوره کامل توفیق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تماشاگه مطبوعات، کتابخانه ملی وزارت فرهنگ و ارشاد، کتابخانه مجلس و خانه مطبوعات در تبریز نگهداری می‌شود.

این هفته‌نامه در سال‌های انتشار در شب‌های جمعه و با شعار «همشهری! شب جمعه دو کار یادت نره: دوم خریدن مجله توفیق!» منتشر می‌شد.